



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در میان مسائل اسلامی کمتر مسئله ای از نظر منابع و مدارک وجود دارد که مانند ولایت فقیه دلیل داشته باشد چون ولایت فقیه هم مسئله فقهی است و هم فلسفی و کلامی و اعتقادی و قرانی و تاریخی و حدیثی می باشد.

امروز با توفیق پروردگار متعال نمونه هائی از نهج البلاغه در مورد ولایت فقیه ذکر می کنیم:

اولین مورد کلام حضرت در خطبه ۲۱۶ می باشد که در عرصه جنگ صفین ایراد فرموده اند و مربوط به ذکر حق والی بر رعیت می باشد، البته در مورد حقوق روایات زیادی داریم که بهترین آنها رساله حقوق امام سجاد علیه السلام می باشد که از ابو حمزه ثمالی نقل شده است، علی ای حال حضرت در بخشی از خطبه مذکور اینطور می فرماید: ﴿أَمَّا بَعْدُ، فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا بِوَلَايَةِ أَمْرِكُمْ، وَلَكُمْ عَلَيَّ مِنَ الْحَقِّ مِثْلُ الَّذِي لِي عَلَيْكُمْ، فَالْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَاصُفِ، وَأَضْيَقُهَا فِي التَّنَاصُفِ...إِلَى: وَأَعْظَمُ مَا افْتَرَضَ سُبْحَانَهُ مِنْ تِلْكَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَّةِ، وَحَقُّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْوَالِي، فَرِيضَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِكُلِّ عَلَى كُلِّ﴾^۱.

"لِكُلِّ عَلَى كُلِّ" گفته شده زیرا هرجائی که حق است تکلیف هم هست و هرجائی که حق له باشد حق بر علیه نیز می باشد مثلاً در یک خانواده زن نسبت به شوهر حق نفقه دارد و شوهر نیز نسبت به

زن حق تمکین دارد فلذا حق چونکه با تکلیف توأم است همیشه له و علیه می باشد.

آدرس خطبه در شرح نهج البلاغه: شرح خوئی جلد ۱۴۴ صفحه ۱۲۰، شرح بجرانی جلد ۴ صفحه ۳۶، شرح ابن ابی الحدید جلد ۱۱ صفحه ۸۸، شرح فی ظلال جلد ۳ صفحه ۲۶۶.

خوب و اما ممکن است بفرمائید این حق والی بر رعیت و بالعکس چیست؟ حضرت امیر علیه السلام در جائی دیگر از نهج البلاغه این حقوق را به این صورت بیان فرموده: ﴿أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا، وَلَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ: فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالنَّصِيحَةُ لَكُمْ، وَتَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ، وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا، وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْمَا تَعْلَمُوا، وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ، وَالنَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ، وَالْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ، وَالطَّاعَةُ حِينَ أَمُرُكُمْ﴾^۲.

در کتاب تحف العقول هست که امام صادق علیه السلام می فرماید سه چیز است که تمام مردم به آنها محتاجند؛ اول مطلق امنیت و دوم عدالت یعنی احقاق حقوق و سوم ارزانی و فراوانی نعمت.

آدرس خطبه مذکور در شرح نهج البلاغه: شرح خوئی جلد ۴ صفحه ۲۹، شرح ابن ابی الحدید جلد ۲ صفحه ۱۸۷، شرح بجرانی جلد ۲ صفحه ۳۳، شرح فی ظلال جلد ۱ صفحه ۲۲۴.

خوب واما بحث اصلی ما در همان خطبه ۲۱۶ که اول بحث بخشی از آن را خواندیم می باشد که بر ولایت فقیه دلالت دارد، حضرت اینطور فرمودند: ﴿وَأَعْظَمُ مَا افْتَرَضَ . سُبْحَانَهُ . مِنْ تِلْكَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَّةِ، وَحَقُّ الرَّعِيَّةِ عَلَى

^۲ نهج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، خطبه ۳۴، ص ۳۳.

^۱ نهج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، خطبه ۲۱۶، ص ۲۲۴.

حقوقی نسبت به هم داشته باشند حتی در صورتی که امام زمان علیه السلام در میان مردم نباشد زیرا همیشه منفی ها منفی و مثبت ها مثبت می باشند فلذا باید شخصی به عنوان والی و جانشین امام عصر علیه السلام باشد تا این حقوق را عملی کند. بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

الْوَالِي، فَرِيضَةً فَرَضَهَا اللَّهُ . سُبْحَانَهُ . لِكُلِّ عَلَى كُلِّ، فَجَعَلَهَا نِظَامًا لِأَلْفَتِهِمْ، وَعِزًّا لِدِينِهِمْ. فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاةِ، وَلَا تَصْلُحُ الْوَلَاةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ، فَإِذَا أَدَّتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ، وَأَدَّى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ، وَقَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ، وَاعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ، وَجَرَتْ عَلَى أَذْلَاهَا السُّنُنُ، فَصَلَحَ بِذَلِكَ الرِّمَانُ، وَطُمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ، وَيَسَسَتْ مَطَامِعُ الْأَعْدَاءِ. وَإِذَا غَلَبَتِ الرَّعِيَّةُ وَالْيَهَاءُ، أَوْ أَجْحَفَ الْوَالِي بِرِعِيَّتِهِ، اخْتَلَفَتْ هُنَالِكَ الْكَلِمَةُ، وَظَهَرَتْ مَعَالِمُ الْجَوْرِ، وَكَثُرَ الْأَذْغَالُ فِي الدِّينِ، وَتُرِكَتْ مُحَاجُّ السُّنَنِ، فَعُمِلَ بِالْهَوَى، وَعُطِلَتِ الْأَحْكَامُ، وَكَثُرَتْ عِلَلُ النُّفُوسِ، فَلَا يُسْتَوْحَشُ لِعَظِيمِ حَقِّ عُطْلٍ، وَلَا لِعَظِيمِ بَاطِلِ فِعْلٍ! فَهُنَالِكَ تَذُلُّ الْأَبْرَارُ، وَتَعِزُّ الْأَشْرَارُ، وَتَعْظُمُ تَبِعَاتُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عِنْدَ الْعِبَادِ. فَعَلَيْكُمْ بِالتَّنَاصُحِ فِي ذَلِكَ، وَحُسْنِ التَّعَاوُنِ عَلَيْهِ. فَلَيْسَ أَحَدٌ . وَإِنْ اشْتَدَّ عَلَى رِضَى اللَّهِ حِرْصُهُ، وَطَالَ فِي الْعَمَلِ اجْتِهَادُهُ . بِبَالِغِ حَقِيقَةِ مَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَهْلُهُ مِنَ الطَّاعَةِ لَهُ. وَلَكِنْ مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ النَّصِيحَةُ بِمَبْلَغِ جُهْدِهِمْ، وَالتَّعَاوُنُ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ. وَلَيْسَ امْرُؤٌ . وَإِنْ عَظُمَتْ فِي الْحَقِّ مَنَزِلَتُهُ، وَتَقَدَّمَتْ فِي الدِّينِ فَضِيلَتُهُ . بِفَوْقِ أَنْ يُعَانَ عَلَى مَا حَمَلَهُ اللَّهُ مِنْ حَقِّهِ»^۳.

از کلام حضرت استفاده می شود که این مربوط به زمانِ دون زمانِ نیست بلکه همیشگی است یعنی در همه زمان ها باید والی و رعیت باشند و چنین

^۳ نهج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، خطبه ۲۱۶، ص ۲۲۵.